**باسمه تعالی**

**دوشنبه: 08/08/1396**

**فقه / درس شماره 16**

**درس خارج فقه استاد سیدمحمدجواد شبیری**

خلاصه بحث جلسه گذشته

در جلسه قبل عرض شد از این که مرحوم کلینی و مرحوم صدوق روایت‌های کتابشان را صحیح می‌دانند و به آن فتوا می‌دهند، در همه موارد نمی‌توان نتیجه گرفت که راوی روایت را هم از جهت سندی معتبر می‌دانند. در موارد مختلف فرق دارد. مثلاً نقل روایت از یک نفر در کتاب الحجة می‌تواند برای مقدمه اطمینان بخشی باشد و در مستحبات می‌تواند به خاطر تسامح در ادله سنن باشد.

در جلسه قبل شاهدی در مورد فقیه عرض کردیم، حالا می‌خواهم شاهدی در مورد کافی عرض کنم که در جلسه قبل هم اشاره کردم، می‌خواهم مقداری با آمار بیان کنم. حاج آقا که این مطلب را در بحث کافی می‌فرمودند اشاره می‌کردند که میزان مجهولین و ضعفا در کتاب الحجة خیلی بیشتر از جاهای دیگر است.

آمار روایات معتبر و ضعیف در ابواب مختلف

من این را بر اساس آماری که از اظهار نظر مرحوم مجلسی در مرآة العقول استخراج کرده‌ام خدمت شما عرض می‌کنم. من جلد سوم کتاب مرآة العقول را که اواسط کتاب الحجة هست برداشتم و از اظهار نظرهایی که مرحوم مجلسی درباره هفتاد روایت اولش دارند آمار گرفتم. این هفتاد تا دو قسمت است، بخشی ضعیف‌ها و دسته‌ای معتبرها است، یک مورد هم مختلف فیه است که آن را کنار گذاشتم و هفتاد روایت منهای آن را در نظر گرفتم. مجموعه ضعیف‌ها عبارتند از: ضعیف 32 روایت، مجهول کالصحیح 1 روایت، مجهول 9 روایت، مرسل 1 روایت، مرسل مجهول 1 روایت، ضعیف کالموثّق 1 روایت و مرفوع 1 روایت و مجموع این‌ها 46 روایت است. مجموعه معتبرها از این قرار است: موثّق 1 روایت، حسن موثّق 1 روایت، صحیح 15 روایت، حسن 6 روایت، حسن کالصحیح 1 روایت و مجموعاً 24 روایت است. پس مجموعه ضعیف‌ها 67 - 68 درصد و مجموعه معتبرها 32 - 33 درصد است.

در کتاب الحج که ما دیروز مقایسه کردیم، دقیقاً رفتم همان جایی که در فقیه دنبال کردم را آوردم که روایت‌های مربوط به احرام و... است. از صفحه 235 تا 264، هفتاد روایتش را آمار گرفتم. مجموعه ضعیف‌هایش این‌ها است: ضعیف 15 مورد، مرسل 2 مورد، مجهول 9 مورد، مرسل کالحسن 2 مورد، مرسل کالموثّق 1 مورد، مرسل کالحسن 2 مورد و مجموعش 31 مورد است. مجموعه معتبرهایش عبارتند از: حسن 19 مورد، حسن کالصحیح 4 مورد، صحیح 9 مورد، موثّق 7 مورد و مجموع آن‌ها 39 مورد است. یعنی ضعیف‌ها آن‌جا حدود 67 - 68 درصد بود و این‌جا 43 - 44 درصد است. تفاوت زیاد است، حدود 25 درصد تفاوت هست.

جالب این‌جا بود که در مستحبات همان باب فضائل الحج را که در فقیه دنبال کردم، این‌جا هم بررسی کردم.[[1]](#footnote-1) 48 حدیث در باب فضل الحج هست. در این 48 حدیث، ضعیف‌ها این‌ها هستند: مجهول 12 روایت، مجهول کالحسن 1 روایت، ضعیف 10 روایت، مجهول کالصحیح 1 روایت، مرسل 5 روایت، صحیح 4 روایت، مختلف فیه هم 1 روایت که آن مختلف فیه کنار برود. مجموع ضعیف‌ها 29 مورد است. معتبرهایش به این

شکل است: حسن 8 روایت، حسن أو موثق 1 روایت، حسن کالصحیح 5 روایت، صحیح 4 روایت و مجموع معتبرها 18 مورد است. پس مجموع ضعیف‌ها حدود 60 درصد است. ببینید مجموعه ضعیف‌های این‌جا 60 درصد است و در آن‌جا 67 - 68 درصد بود و خیلی نزدیک به هم هستند. با ابواب واجبات کاملاً فاصله دارد.

این آمارها دقیقاً مشخّص می‌کند که نحوه اعتنای به سند در کتاب الحجة و در مستحبات به مراتب پایین‌تر از واجبات است. همان نکته‌ای که حاج آقا روی آن تکیه می‌فرمودند که باید مربوط به واجبات و امور تعبدی الزامی باشد، نه اموری که اطمینان در آن معتبر است مثل کتاب الحجة.

ابو سمینه در کافی

حالا بیاییم سراغ ابو سمینه و ببینیم مرحوم کلینی چه طور با او برخورد کرده و چه مقدار به او اعتنا دارد. من متأسفانه فقط مواردی که محمد بن علی مراد ابو سمینه بود را رسیدم نگاه کنم. اگر محمد بن علی الکوفی یا محمد بن علی الصیرفی در این آمار می‌آمد دقیق‌تر می‌شد، ولی آن‌ها موارد زیادی نیست، تک و توک است و در آمار ما خیلی دخالت ندارد. مواردی که محمد بن علی ای که مراد ابو سمینه است در کافی وجود دارد، دقیقاً در همان باب‌هایی است که مرحوم کلینی خیلی به سند اعتنا ندارد. مثلاً در همین دو کتابی که مقایسه کرده بودم، در کتاب الحجة 43 مورد محمد بن علی آمده است و در کتاب الحج تنها 4 مورد محمد بن علی وجود دارد. نحوه برخورد کلینی از این آمار کاملاً روشن می‌شود. در جلد ششم کافی این محمد بن علی زیاد وارد شده است، در باب‌های میوه‌جات، دواجن، فضائل، آداب و این جور چیزها است. در باب‌های الزامی خیلی به ندرت نام محمد بن علی وارد شده است. مثلاً کل جلد سوم کافی که مربوط به واجبات است را نگاه کردم، کلاً 9 مورد محمد بن علی که مراد ابو سمینه باشد وجود دارد. در حالی که کتاب الحجة که تمام جلد اول هم نیست، 43 بار وارد شده است. در جلد هفتم کافی هم 9 مورد هست. این‌ها جلدهایی هستند که حجمشان خیلی بیشتر از کتاب الحجة است. من دقیق بررسی نکردم، اگر وارد آن شوید می‌بینید همان‌ها هم مستحبات و مواردی است که جاهای دیگر نام یک راوی هم وارد شده است.

پاسخ سؤال: نه، مطلق اکثار کافی نیست، اکثار در صورتی که اعتماد شخص به حال راوی باشد. محل اکثار را هم باید مشخص کرد. یادم هست حاج آقا در مورد حسین بن علوان همین مطلب را مطرح می‌کردند. بعضی خواسته بودند حسین بن علوان را با اکثار روایت حسین بن سعید توثیق کنند، حاج آقا مراجعه کرده بودند و گفتند موارد روایت حسین بن سعید از حسین بن علوان مربوط به مستحبات و آداب است.

پاسخ سؤال: محمد بن علی ابی سمینه راوی بسیار پر روایتی است. فرض کنید می‌بینیم مرحوم کلینی مثلاً 100 روایت از او آورده است که الزامیاتش 5 مورد و غیر الزامیاتش 95 مورد است. این خودش کاشف از این است که عنایت دارد و نکته‌ای در میان هست.

پاسخ سؤال: نه، این منافاتی ندارد، یعنی به هر حال از مجموعه این‌ها می‌خواهد اطمینان حاصل کند. اشکالی ندارد که مجموعه آن 16 تا ولو 11 موردش از ابو سمینه است، اطمینان بخش باشد.

پاسخ سؤال: آورده است، فقط روایت ابو سمینه ضعیف نیست. آمار ضعیف‌ها را که آوردم فقط برای ابو سمینه نیست. بحث این است که در کتاب الحجة اصلاً بنای اعتماد به سند نیست. آن آمارگیری‌هایی که کردم برای همین جهت بود.

در کافی تعبیر ابی سمینه نیست و خود همین هم نشان‌گر این است که ایشان نمی‌خواهد کنیه معروف ابو سمینه را ذکر کند، در حالی که مثلاً در محاسن برقی مکرر ابی سمینه تعبیر کرده است، در کتاب‌های شیخ صدوق; هم با تعبیر ابی سمینه مکرر هست. ولی کلینی با وجود آوردن این همه روایت ابی سمینه تعبیر

نمی‌کند، مثل این که نمی‌خواهد آن بار منفی‌ای که وجود دارد به این روایت‌هایی که اعتمادش به خاطر راوی نیست سرایت کند.

ممکن است بگویید علت وقوع این قضیه این است که کتاب‌هایی که مرحوم کلینی روایت‌های ابو سمینه را از آن‌ها نقل کرده است، بیشتر مربوط به مباحث کتاب الحجة بوده‌اند. چون راوی ابو سمینه ای که در کافی هست عمدتاً 3 نفر هستند، احمد بن مهران، احمد بن ابی عبد الله برقی و محمد بن حسان است. چون کتاب‌های این سه نفر مربوط به کتاب الحجة و این جور مطالب بوده است. علت این که حجم روایت‌های کتاب الحجة زیاد بوده این نکته است. احمد بن ابی عبد الله برقی هم محدّث مورّخ و ادیب است و بیشتر به روایت‌های غیر فقهی شناخته شده و مثلاً با احمد بن محمد بن عیسی که بیشتر جنبه فقاهت دارد متفاوت است. اگر به محاسن برقی مراجعه فرمایید می‌بینید که جنبه فقهی در آن کمرنگ است.

می‌توان این طور گفت، ولی بحث این است که چرا ایشان نرفته از کسانی که در بحث‌های فقهی از ابو سمینه روایت کرده‌اند نقل کند؟ همان علی بن حسن بن فضال که من عرض کردم، جزء کسانی است که کلینی از او زیاد روایت دارد. در باب‌های الزامی هم روایات بسیاری دارد. شیخ طوسی; در تهذیب به نقل از علی بن حسن بن فضال 31 مورد از محمد بن علی ابی سمینه روایت دارد که عمدتاً هم الزامیات هستند اما هیچ یک از آن روایات در کافی نقل نشده است، بعضی از غیر طریق محمد بن علی نقل شده و بعضی هم نقل نشده است. این تصادفی نیست و پیداست که ایشان عنایت دارد که در الزامیات از ابو سمینه نقل نکند و خود این نشان‌گر این است که مرحوم کلینی هم ابو سمینه را معتبر نمی‌دانسته است و چه بسا نحوه نقل در کافی را دلیل بر تضعیف کلینی نسبت به ابو سمینه تلقی کنیم.

رفتار متفاوت کلینی با اشخاص مشابه ابو سمینه

ممکن است بگویید عدم نقل مرحوم کلینی به خاطر جو منفی نسبت به ابو سمینه و برخورد احمد بن محمد بن عیسی با او بوده است. اما کسی هست که دقیقاً وضعیت مشابهی دارد یعنی سهل بن زیاد که **کان أحمد بن محمد بن عیسی یشهد علیه بالغلو و الکذب و أخرجه من قم**[[2]](#footnote-2) و همه پارامترهایی که در مورد ابو سمینه هست در مورد سهل بن زیاد هم هست، ولی کلینی فراوان از او نقل می‌کند. کلینی نسبت به برخورد احمد بن محمد بن عیسی خیلی تحفّظ ندارد و نگران این نیست که چون مثلاً احمد بن محمد بن عیسی یک نفر را تضعیف کرده است پس من نقل نکنم. کسانی که از قم اخراج شده‌اند، ابو سمینه، سهل بن زیاد، حسین بن عبید الله سعدی و احمد بن محمد بن خالد برقی هستند و این چهار نفر وضعیت مشابه دارند. اگر نحوه برخورد مرحوم کلینی با سهل بن زیاد را با نحوه برخورد او نسبت به ابو سمینه مقایسه کنیم می‌بینیم که تفاوت چشم‌گیری دارد.

به همین دلیل به نظر ما کلینی سهل بن زیاد را ثقه می‌دانسته و خیلی ثقه محکمی هم می‌دانسته است، زیرا با وجود فضای منفی‌ای که در قم حاکم بوده است و احمد بن محمد بن عیسی هم در قم آن قدر اقتدار اجتماعی داشته است - البته کلینی دوره احمد بن محمد بن عیسی را درک نکرده است ولی هنوز آن فضای اقتدار علمی احمد بن محمد بن عیسی بر قم حاکم بوده است - و خیلی از شاگردهایش مثل سعد بن عبد الله،

محمد بن حسن صفار، احمد بن ادریس و علی بن ابراهیم[[3]](#footnote-3) از مشایخ کلینی هستند، ایشان خیلی نسبت به حرف‌ها درباره سهل بن زیاد اعتنا نمی‌کند. وثاقت سهل بن زیاد برای کلینی خیلی واضح بوده است که در قبال آن همه تضعیفات محکم احمد بن محمد بن عیسی که **یشهد علیه بالغلوّ و الکذب** هیچ عکس العملی نشان نمی‌دهد.

بنابراین فرق است بین کسانی مثل نوفلی، سکونی، سهل بن زیاد، محمد بن عیسی عبیدی که از نحوه برخورد کلینی کاملاً مشخص است که آنان را ثقه می‌داند و محمد بن علی ابی سمینه. اگر نگوییم از نحوه برخورد کلینی با محمد بن علی ابی سمینه تضعیف او استفاده می‌شود، حداقل این است که توثیق استفاده نمی‌شود.

منفردات ابو سمینه

من ذکر منفرد ابو سمینه توسط مرحوم کلینی را فقط در سه باب دنبال کردم و کتاب الحجة را نگاه نکردم. در **باب لبس ثیاب کعبة**، درباره این که ثیاب کعبه را می‌شود پوشید یا خیر، یک روایت از ابو سمینه ذکر کرده است و خیلی معلوم نیست این حکم را الزامی می‌دانسته است، بلکه کراهت است.[[4]](#footnote-4) باب دیگر در **باب نهک العظام** است، یعنی آدم استخوان‌ها را خوب بلیسد و کاملاً گوشت‌هایش را جدا کند که از آداب است.[[5]](#footnote-5) دیگری در **باب الجزع الیمانی و البلّور** هست. جزع نوعی سنگ بوده که به عنوان انگشتری از آن استفاده می‌کرده‌اند. بلور هم به عنوان انگشتری استفاده می‌شده است.[[6]](#footnote-6)

این با یاسین ضریر فرق دارد. یاسین ضریر در باب الزامی خاص وارد شده است ولی ابی سمینه این طور نیست. در باب منفرد هم که روایت ابی سمینه وارد شده است، باب‌های غیر الزامی، آداب و این جور چیزها است.

روایت علی بن حسن بن فضال

مجموعاً تنها چیزی که از قرائن توثیق قابل تحمل است روایت علی بن حسن بن فضال است که با توجه به توضیحاتی که عرض کردیم خیلی نمی‌شود به آن اعتنا کرد. البته به نظر من این احتمال واقعاً هست که علی بن حسن بن فضال به این دلیل از محمد بن علی ابی سمینه نقل کرده که طریق به کتاب بوده است. در نتیجه روایت‌هایی که علی بن حسن بن فضال نقل می‌کند به خصوص روایت‌هایی که علی بن حسن بن فضال از محمد بن علی عن ابن محبوب نقل می‌کند و در مرحله بعد علی بن حسن بن فضال از محمد بن علی از علی بن نعمان نقل می‌کند، احتمال جدی وجود دارد که علی بن حسن بن فضال این‌ها را از کتاب ابن محبوب یا از کتاب علی بن نعمان گرفته باشد و ذکر ابی سمینه تشریفاتی باشد. به نظرم اگر روایتی در این محدوده باشد یعنی روایت علی بن حسن بن فضال عن محمد بن علی عن ابن محبوب و علی بن حسن بن

فضال عن محمد بن علی عن علی بن نعمان، باید مقداری با احتیاط با آن برخورد کرد. گذشتن از کنار این روایت‌ها و معتبر ندانستن آن‌ها سخت است. البته احتمال هم دارد که ایشان اصلاً ابو سمینه را به طور کلی معتبر بداند. فقط در حد یک احتمال است.

پاسخ سؤال: در مورد ابن محبوب عرض کردم دیگر، ابن غضائری می‌گوید مواردی که احمد بن هلال از کتاب ابن محبوب اخذ می‌کند اشکال ندارد، ولو ذکر نمی‌کند کجاها احمد بن هلال از کتاب ابن محبوب اخذ کرده است، ولی روایت‌هایی که از احمد بن هلال از ابن محبوب هست عمدتاً همین‌هایی است که از کتاب احمد بن محبوب اخذ کرده است، یعنی داخل در مستثنای ابن غضائری است. چون کتاب معروفی بوده است، تشریفاتی تلقی کردن کاملاً طبیعی بوده است.

البته عرض کردم علی بن حسن بن فضال اگر هم تشریفات باشد این مراعات را هم کرده است و تعبیری نیاورده که همه اشخاص سریع متوجه شوند که این همان ابو سمینه است و همان عکس العمل منفی‌ای که طایفه امامیه در کوفه و قم نسبت به محمد بن علی ابی سمینه داشته‌اند به این روایت‌هایی که محمد بن علی در آن صرفاً شخصی تشریفاتی بوده است منتقل شود.

خلاصه عرض من این است که تنها قرینه‌ای که می‌شود تا حدودی به آن توجه کرد بر توثیق محمد بن علی ابی سمینه آن هم در حد یک احتمال، روایت علی بن حسن بن فضال است. اگر هم این را بپذیریم در قبال آن همه تضعیفات جدی‌ای که نسبت به ابو سمینه شده است اصلاً قابل اعتنا نیست. بنابراین ما به هیچ وجه نمی‌توانیم محمد بن علی ابی سمینه را توثیق کنیم.

تفاوت دقت افراد در نقل

البته این نکته را هم توجه فرمایید که آدم‌هایی که ضعیف هستند این جور نیست که همه روایت‌هایی که نقل می‌کنند مجعول باشد. غالب روایت‌های آدم‌های ضعیف روایت‌های معتبر است و الا اگر کسی بخواهد از اول تا آخر روایت‌های ضعیف نقل کند که شناخته می‌شود. چند نکته در مورد آدم‌های ضعیف هست. اولاً خیلی مقیّد نیستند که حدیث را دقیق نقل کنند. خیلی وقت‌ها ممکن است حدیثشان کم یا زیاد شود و نوعی عدم ضبط بر آن‌ها حاکم است. ما این مسئله ضابط نبودن را دقیقاً در مورد افراد می‌بینیم. خیلی افراد آدم‌های خوبی هستند ولی در نقلیات آن ضبط کامل را ندارند. ضبط هم مراحل دارد. بعضی افراد خیلی دقیق هستند.[[7]](#footnote-7) هر چه واسطه کمتر شود هر چه نقل‌های ما دقیق‌تر باشد اعتبار نقل بالاتر می‌رود. ما باید در نقلیاتمان به دقت نظر زیاد عادت کنیم. دقت نظر باید برای آدم ملکه شود. بعضی اشخاص اساساً اهل مسامحه هستند، برایشان هم مهم نیست. برخی افراد در تاریخ وفات‌ها شبیه زن‌ها هستند، یعنی هر چه شد شد. برخی زن‌ها مقید هستند که تاریخ ولادت خودشان را نگویند، بعضی هم برایشان مهم نیست و اشتباه‌های خیلی عجیب و غریب در آن‌ها هست. برخی مردها هم نسبت به این جور امور دقیق نیستند.

دقت نظر مرحوم صاحب معالم

بعضی افراد خیلی دقیق هستند. مرحوم صاحب معالم در منتقی الجمان خیلی آدم دقیقی است. نقلیاتی که ایشان می‌کند فوق العاده است. نسخه اصلی تهذیب شیخ طوسی; در اختیار مرحوم شهید ثانی بوده و مرحوم صاحب معالم هم که پسر شهید ثانی است این نسخه را در اختیار داشته است. این نسخه از صلاة تا قسمتی از زکاة بوده است. من زمانی همه مواردی که مرحوم صاحب معالم از نسخه اصل تهذیب نقل می‌کند را استخراج کرده بودم که شصت هفتاد مورد بود و به نظرم حدوداً یک چهارم تهذیب بود. ایشان در بعضی نقل‌هایش مثلاً می‌فرماید اصل نسخه شیخ این‌جا عن بوده است و بعد دو طرف چشم عین را خود مؤلف به هم وصل و تبدیل به واو کرده است. این واو است که در اصل عن بوده است. ببینید در اصل چه طوری دقت نظر می‌کند. جایی می‌گوید تغییری در این عبارت ایجاد شده است نمی‌دانم خود مرحوم شیخ طوسی این تغییر را ایجاد کرده است یا کسی دیگر. نمی‌دانم خط شیخ طوسی; است یا خط کسی دیگر است. آن قدر ریزه‌کاری‌هایی را در گزارش مراعات کرده است که آدم تعجب می‌کند. این نقل صاحب معالم کجا و نقل بعضی از محدثین برجسته دیگر ما کجا. بعضی محدثین ما خیلی برجسته هستند مثل شیخ حر عاملی ولی به ریزه‌کاری‌ها اصلاً مقید نیست و ریزه‌کاری‌ها را اصلاً نقل نمی‌کند. البته صاحب معالم به دلیل این ریزه‌کاری‌ها عمرش کفاف ندارد منتقی را تمام کند و در کتاب الحج عمرش به پایان رسید. شاید ما نیاز به افرادی مانند شیخ حرّ داریم تا بتوانند مجموعه را به سامان برسانند. ولی ما آدم‌های دقیق النظری هم می‌خواهیم تا بتوانند خیلی دقیق مطالب را منتقل کنند. این بحث تمام شد.

فردا ان شاء الله نکاتی جزئی درباره بحثی که در مورد ارث اجداد دنبال می‌کردیم مطرح می‌کنیم و این بحث را تمام می‌کنیم.

**و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد**

1. . ممکن است برخی از این آمارهایی که میدهم یکی کم یا زیاد شود، چون دوباره بررسی نکردم، اما در آمارگیری کلی ما تغییری ایجاد نمیکند. [↑](#footnote-ref-1)
2. . رجال نجاشی، ص 185، ر 490: سهل بن زياد أبو سعيد الآدمي الرازي كان ضعيفا في الحديث غير معتمد فيه. و كان أحمد بن محمد بن عيسى يشهد عليه بالغلو و الكذب و أخرجه من قم إلى الري و كان يسكنها و قد كاتب أبا محمد العسكري 7 على يد محمد بن عبد الحميد العطار للنصف من شهر ربيع الآخر سنة خمس و خمسين و مائتين. [↑](#footnote-ref-2)
3. . علی بن ابراهیم شاگرد خاص احمد بن محمد بن عیسی نیست. [↑](#footnote-ref-3)
4. . کافی، ج 4، ص 229، ح 1: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمّد بن خالد عن محمّد بن عليّ عن عبد اللّه بن جبلة عن عبد الملك بن عتبة قال: سألت أبا عبد اللّه ;عمّا يصل إلينا من ثياب الكعبة هل يصلح لنا أن نلبس شيئاً منها قال يصلح للصّبيان و المصاحف و المخدّة تبتغي بذلك البركة إن شاء اللّه. [↑](#footnote-ref-4)
5. . کافی، ج 6، ص 322، ح 1: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن أبي عبد اللّه عن محمّد بن عليّ عن محمّد بن الهيثم عن أبيه قال: صنع لنا أبو حمزة طعاماً و نحن جماعة فلمّا حضرنا رأى رجلًا ينهك عظماً فصاح به فقال لا تفعل فإنّي سمعت عليّ بن الحسين 7 يقول لا تنهكوا العظام فإنّ فيها للجنّ نصيباً و إن فعلتم ذهب من البيت ما هو خير من ذلك. [↑](#footnote-ref-5)
6. . کافی، ج 6، ص 472، ح 1: عدّة من أصحابنا عن أحمد بن أبي عبد اللّه عن محمّد بن عليّ عن عبيد بن يحيى عن محمّد بن الحسين بن عليّ بن الحسين عن أبيه عن جدّه قال قال أمير المؤمنين 7 تختّموا بالجزع اليمانيّ فإنّه يردّ كيد مردة الشّياطين. [↑](#footnote-ref-6)
7. . نمونهای را به شما عرض کنم. این را آقای حسن طارمی معاون علمی دانشنامه جهان اسلام که با پژوهشگرهای زیادی ارتباط داشته تعریف کرد و گفت من در کلاسهای روش تحقیق یک نمونه خاص را خیلی مثال میزدم. گفت در موضوعی مطلبی را از حاج آقای شما شنیده بودم رفتم خدمتشان گفتم شما این مطلب را بگویید تا من یادداشت کنم. یادم نیست مطلبش چه بود. مطلبی از حاج آقا مرتضی حائری نقل کردند و گفتند من میگویم ولی شما خودتان بروید مستقیم از آقای حائری بشنوید که جزئیات نقل دقیقتر شود. من نقل حاج آقا را در برگهای نوشتم و بعد رفتم خدمت مرحوم حاج آقا مرتضی حائری. ایشان متن را خواندند و گفتند اینجا من این لفظ را به کار نبرده بودم و این لفظ را به کار برده بودم. گاهی آن برگه اصلاحشدهای که آقای حائری با خط خودشان اصلاح کرده بودند را به افراد نشان می دادم. تفاوتهایی که هست خیلی ریز است؛ تفاوتهای نقل به معنای خیلی خاص، ولی این دقت نظرها خیلی مهم است. حاج آقا خودشان در نقل خیلی دقیق هستند ولی گاهی میگویند ممکن است من بعضی جاها نقل به معنا کرده باشم، شما بروید از خود آن راوی اولیه تحمل کنید که این دقت نظرها هم رعایت شود. این خودش در پژوهش مهم است. [↑](#footnote-ref-7)